

متن پرسش

سلام علیکم استاد گرامی: با آرزوی قبولی طاعات و عزاداری های حضرت عالی و تشکر وافر بابت پاسخ گویی به سؤالات. به یاد می آورم که در یکی از مطالبی که از حضرت عالی خواندم، اشاره ای داشتید به نظریه بت های فرانسیس بیکن. منتها هر چه قدر فکر کردم به یاد نیاوردم کجا بود. می خواستم لطفا راهنمایی فرمایید که در کدام یک از آثار یا سخنرانی هایتان بوده. با تشکر فراوان و التماس دعا و آرزوی توفیقات روز افزون برایتان

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در جزوات «تاریخ فلسفه ی غرب» مطرح شده، در ضمن مطلب را در تاریخ فلسفه ی غرب از کاپلستون می توانید دنبال کنید. موفق باشید. بت‌های بیکن. یکی از معروف ترین قسمت های فلسفه بیکن، برشمردن چیزهایی است که خود او آن‌ها را «بُت» می نامد و منظورش از آن‌ها عادت‌های بد فکر است که مردم را به اشتباه می اندازد. او چهار بت، از این بت‌ها را می شمرد: «بت‌های قبیله» آن عادت‌هایی است که غریزی بشر است از آن جمله؛ خصوصاً این عادت را ذکر می کند که «بشر از پدیده های طبیعی، نظمی بیش از آنچه واقعاً در آن‌ها موجود است انتظار دارد». در حالی که برعکس بیکن، در یک اعتقاد دینی جهان، صنع قادر حکیمی است که هیچ خللی در آن نیست و اگر چنین تصور می شود که نظم آن مطابق با زندگی ما نیست به این علت است که ما میل‌ها و هوس‌هایی را برای خود گزینش کرده ایم که خالق هستی، جهان را برای جوابگویی به آن هوس‌ها نیافریده است. و در این حالت کار حکیمانه آن است که ما خود را با صنع حکیمانه خداوند هماهنگ کنیم و نه برآن بر آشوبیم و بخواهیم با تغییرات ممتد، همه زندگی مان تغییر جهان بشود و تغییر جهان را زندگی بینداریم و آرام آرام هدف اصلی زمینی بودنمان فراموشمان شود و این مسئله ای است که از دید بیکن دور مانده است. «بت‌های غار» از دیگر بت‌ها که می شمارد «بت‌های غار» است. حاصل گرفتارشدن به آن بت، این است که هرکس اشیاء را جز از طریق روزنه شخصی خود نمی نگرد و مثل غارنشینان افلاطون است و می گوید: باید متوجه این نقص خود بشویم. تاریخ فلسفه غرب، ص: ۱۱۸ «بت‌های بازاری» این بت با اشتباه از الفاظ و جملات ناشی می شود، با کلمات مبهم زندگی کرده ایم بی آن که استعداد خود را در روشن کردن آن‌ها به کار بریم و لذا این کلمات ذهن و فکر ما را مغشوش می کنند، ما از تقوی و از درستی و از زیبایی صحبت می کنیم بدون آن که بدانیم این الفاظ دارای جوهر وجودی نمی باشند. «بت‌های

تئاتر» می‌گوید: دنیا یک تئاتری است و مردان بزرگ یکی پس از دیگری وارد آن می‌شوند و هرکدام نظر و عقیده‌ای دارند و مردم بدون آن‌که در مورد آن‌ها فکر کنند نظرات آن‌ها را تکرار می‌کنند. مثل این‌همه موهوماتی که فیثاغورث و افلاطون ترویج کرده‌اند. بیکن می‌گوید: باید مواظب اشتباهاتی شد که از طریق این بت‌ها و یا اشباح ذهنی به ما تحمیل می‌شود و ما را در تحقیق صحیح می‌لغزاند. در واقع بیکن اندیشه قدرت بیشتر در طبیعت را در بین مردم غرب رونق بخشید و بشر دوره جدید بر اساس همین فکر به وجود آمد لذا غرب از طریق استیلای بر عالم و آدم به امکاناتی دست یافته که می‌تواند با یک اشاره تمامی روی زمین را به آتش بکشد اما فلسفه بیکن متوجه نبود و نیست که کمال بشر در این قدرتمندی بر طبیعت نیست بشر مسلم به بمب هیدروژنی نیازمند نیست و ساختن آن هم در آزادی او اثری ندارد.